



سال یازدهم • پاییز و زمستان ۱۴۰۴ • شماره ۲۳

Biannual Journal of Islamic Psychology
Vol.11, No. 23, Autumn & Winter 2026

نقش خودشفقت‌ورزی، پیوندهای والدینی و دلبستگی به خدا در کشمکش‌های روانی - معنوی

* فاطمه سادات قدسی پور

** محمدتقی تبیک

*** محمدرضا حسن‌زاده توکلی

چکیده

هدف پژوهش حاضر ارتباط میان پیوندهای والدینی، خودشفقت‌ورزی و دلبستگی به خدا با کشمکش‌های روانی - معنوی بود. روش مطالعه حاضر توصیفی از نوع همبستگی بود. تعداد مشارکت‌کنندگان ۲۵۵ نفر بود که به پرسش‌نامه‌های خودشفقت‌ورزی، پیوندهای والدینی، سبک دلبستگی به خدا و کشمکش‌های روانی - معنوی پاسخ دادند. از میان سبک‌های دلبستگی، سبک دلبستگی اضطرابی بیشترین سهم را در پیش‌بینی کشمکش‌های روانی - معنوی داشت. در میان خرده‌مقیاس‌های کشمکش‌های روانی - معنوی در همبستگی بنیادی، کشمکش‌های الهی، معنا و اخلاقی بیشترین سهم را از خود نشان دادند. در معادله رگرسیونی متغیر خودشفقت‌ورزی و حمایت افراطی ضریب رگرسیونی معناداری را نشان ندادند. طبق یافته‌های پژوهش از میان متغیرهای سبک دلبستگی به خدا و خودشفقت‌ورزی و پیوندهای والدینی، متغیر سبک دلبستگی به خدا بیشترین نقش را در تبیین کشمکش‌های روانی - معنوی داشت. با توجه به یافته‌ها، بررسی اثربخشی عامل دلبستگی به خدا (به‌ویژه سبک اضطرابی) در مداخلات درمانی مربوط به کشمکش‌های روانی - معنوی توصیه می‌شود.

کلیدواژه‌ها: خودشفقت‌ورزی، پیوندهای والدینی، سبک دلبستگی به خدا، کشمکش‌های روانی - معنوی.

* کارشناسی ارشد روان‌شناسی اسلامی گرایش مثبت‌گرا، دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران

** استادیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران (نویسنده مسئول: mtabik@gmail.com)

*** استادیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه قرآن و حدیث، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۸/۱۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۲۸

مقدمه

برای بسیاری از مردم، دین^۱ و معنویت^۲ در محور زندگی قرار دارد. دین و معنویت می‌توانند به تأمین نیازهای انسان برای معنا^۳ (پارک، ۲۰۱۹)، بهباشی (اکسلاین، یالی، ساندرسون و دیگران، ۲۰۰۰) و دلبستگی کمک کنند (یک و مک دونالد، ۲۰۰۴، کرک‌پاتریک^۴، ۲۰۰۴). دین و معنویت، هم توانایی ایجاد بهباشی^۵ و هم پدیدایی کشمکش^۶ را در تجربه زیسته دین‌داران دارند. دسته‌ای از پژوهش‌ها (از جمله ابورایا و همکاران، ۲۰۱۶) با تمرکز بر پدیده کشمکش‌های روانی - معنوی،^۷ این ادعا را مطرح کردند که دین‌داری علاوه بر اثرات مثبت، می‌تواند موجب پدیدایی فشار روانی و دشواری در زندگی شود. مفهوم «کشمکش روانی - معنوی» گویای آن است که چیزی در باور، عمل، یا تجربه معنوی فرد وجود دارد که موجب پدیدایی یا تداوم پریشانی^۸ است. این پریشانی ممکن است به شکل یک هیجان منفی بنیادین (مانند غم، خشم، احساس گناه) بروز کند، یا گویای یک تعارض درونی باشد که فرد در آن، افکار و یا احساساتی را تجربه می‌کند که به راحتی حل‌شدنی نیستند (اکسلاین، ۲۰۱۳؛ تیک، ۱۳۹۸). گرچه برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهند که کشمکش‌های روانی - معنوی می‌توانند معنای زندگی را بازسازی کنند و تأثیرات مثبتی بر بهباشی داشته باشند (فریزر و استگر، ۲۰۰۵)^۹ و به درک عمومی معنای زندگی کمک کنند (پارک ۲۰۱۹؛ پارک، ادموندسون و اسمیت، ۲۰۱۳)، اما غالباً حاوی چالش‌ها و عوارض زیادی هستند که باعث ایجاد یا تشدید مشکلات موجود شده و بهباشی را تهدید می‌کنند.

در متون دینی نیز موارد متعددی وجود دارد که می‌توان آنها را مصادیق کشمکش‌های روانی - معنوی دانست. اعتراض فرشتگان (بقره: ۳۰)، گلایه حضرت نوح علیه السلام (هود: ۴۲-۴۷)، مجادله حضرت ابراهیم علیه السلام (عنکبوت: ۳۱-۳۲)، شکوائیه حضرت یعقوب علیه السلام (یوسف: ۸۴-۸۶)، رنج و آلام ایوب علیه السلام (ص: ۴۱-۴۴؛ انبیاء: ۸۳ و ۸۴) برخی از این مواردند (آذربایجانی، ۱۴۰۲)؛ همچنین نمود تعارضات

- | | |
|--|--------------------------------|
| 1. Religion | 2. Spirituality |
| 3. Meaning | 4. Park, C. L. |
| 5. Exline, J. J., Yali, A. M. & Sanderson, W. C. | 6. Beck and McDonald |
| 7. Kirkpatrick | 8. well-being |
| 9. Struggle | 10. psycho-spiritual struggles |
| 11. Distress | 12. Steger & Frazier |

معنوی در دعا‌های معصومان علیهم‌السلام نیز وجود دارد (ر.ک: آذربایجانی، ۱۴۰۲، ص ۲۹۰-۲۹۳).

تا چندی پیش، کار بر روی کشمکش‌های روانی - معنوی حول موضوعات مختلفی از قبیل درگیری در خصوص مسائل دینی - معنوی (ابو رایا، پارگمنت و کراوز،^۱ ۲۰۱۵)، پریشانی در مورد نقض هنجارهای اخلاقی شخص یا مقابله منفی دینی (پارگمنت و انو، ۲۰۰۵؛ پارگمنت، کونینگ و پرز، ۲۰۰۰؛ پارگمنت، اسمیت، کونینگ و پرز، ۱۹۹۸؛ پارگمنت، زینباوئر و دیگران، ۱۹۹۸) مربوط به خود، دیگران و یا یک قدرت بالاتر بود (جانسون و دیگران، ۲۰۱۳)، اما پژوهش‌های اخیر (اکسلاین، پارگمنت و گرابزویالی، ۲۰۱۴) دسته‌بندی جامع و منظمی از کشمکش‌های روانی - معنوی را ارائه داده است که شش زیرگروه را دربر می‌گیرد: کشمکش‌های الهی،^۲ کشمکش‌های اهریمنی،^۳ کشمکش‌های بین‌فردی،^۴ کشمکش‌های اخلاقی،^۵ کشمکش‌های تردید،^۶ کشمکش‌های معنای غایی.^۷ پژوهش‌های متعددی در باب کشمکش‌های روانی - معنوی بر آگاهی پژوهشگران نسبت به این پدیده افزوده است، اما غالب این پژوهش‌ها بر «پیامدهای جسمانی و روان‌شناختی» کشمکش‌های روانی - معنوی متمرکز است.

پژوهش‌های اندکی عوامل پیش‌بینی‌کننده کشمکش‌های روانی - معنوی را شناسایی کرده‌اند. طبق پژوهش‌هایی که تا کنون انجام شده است، می‌توان عوامل تأثیرگذار بر ایجاد کشمکش‌های روانی - معنوی را در چهار دسته قرارداد که یکی از این عوامل «عامل جمعیت‌شناختی» است. طبق پژوهش‌ها، کشمکش‌های روانی - معنوی با جوان بودن (اکسلاین و همکاران، ۲۰۱۱؛ مکائل و همکاران، ۲۰۰۶)، عدم تأهل (مکائل و همکاران، ۲۰۰۶)، وزن بودن (براینت و آستین، ۲۰۰۸) در ارتباط است. دومین عامل «عامل شخصیتی» است. در مطالعه مرتبط (پارگمنت و دیگران، ۲۰۱۵) درباره پیوند بین کشمکش‌های روانی - معنوی و ویژگی‌های شخصیتی، روابط منفی با کشمکش‌های روانی - معنوی برای عزت‌نفس^۸ و خودشفقت‌ورزی^۹ به وجود آمد. در پژوهشی سه کشمکش اخلاقی، الهی و معنای غایی با خودشفقت‌ورزی همبستگی منفی نشان داده و کشمکش‌های

1. Abu-Raiya, H., Pargament, K. I., Krause, N. & Ironson, G.

2. Divine struggles

4. Interpersonal struggles

6. Doubt-related struggles

8. Self-esteem

3. Demonic struggles

5. Moral struggles

7. struggles of ultimate meaning

9. Self-compassion

اهریمنی، بین فردی و تردید با خودشفقت‌ورزی رابطه معناداری نداشتند (اکسلاين و ديگران، ۲۰۱۷؛ گرابز، ۲۰۱۶). خودشفقت‌ورزی وجه سازگاری از خودپنداره^۱ است که مستلزم مشاهده خود به صورت ملایم و بخشنده، حتی در پی شکست‌هاست. عامل بعدی «عوامل موقعیتی» است. عوامل موقعیتی مانند تأثیرات والدینی (هومولکا، ۲۰۱۴)، ارزیابی‌های منفی از رخدادهای تنیدگی‌زا (آنو و پارگمنت، ۲۰۱۳)، حمایت پایین اجتماعی (مکانل و همکاران، ۲۰۰۶) و عوامل تنیدگی‌زای خانوادگی (مانند الکلیسم و سوءاستفاده جنسی و جسمی کودکی) (سوزیک و وین مولر، ۲۰۰۶، به نقل از: تبيک، ۱۳۹۸) را نیز می‌توان به عنوان پیش‌بین‌گرهای موقعیتی کشمکش‌های روانی - معنوی در نظر گرفت.

چند مطالعه روابط بین کشمکش‌های الهی و پیوند والدینی^۲ را بررسی کرده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که نوع رابطه با والدین با کشمکش‌های روانی - معنوی ارتباط داشته است (پارگمنت ۲۰۱۲؛ مانند هال و ادواردز، ۲۰۰۲). بر اساس پژوهش‌ها، نوع فرزندپروری والدین و پیوندهای والدینی هم می‌تواند دین‌داری سالم و بالغانه فرزندان را تضمین کند، هم می‌تواند مشکلاتی را برای آنها به وجود آورد. بر اساس مفهوم‌سازی پیوند خانوادگی پارکر^۳، پیوندهای والدینی شامل مراقبت^۴ و حمایت‌کنندگی بیش از حد یا حمایت افراطی است. عامل مراقبت، منعکس‌کننده والدینی گرم، مهربان و همدل که به کودک آزادی و استقلال می‌دهند و عامل حمایت افراطی، بیانگر والدین کنترل‌کننده، مزاحم و افرادی است که تمایل دارند کودکشان همیشه بچه بماند (سروقد و دیگران، ۱۳۹۰). متغیر مراقبت با کشمکش‌های روانی - معنوی رابطه منفی و متغیر حمایت افراطی والدینی با کشمکش‌های روانی - معنوی رابطه مثبت دارد؛ چراکه گرمی و مهر^۵ و همچنین تعهد^۶ والدینی می‌تواند سپری باشد در جهت جلوگیری از ایجاد کشمکش‌های روانی - معنوی در فرزندان (هومولکا، ۲۰۱۴). بر اساس یافته‌های پژوهش تبيک و همکاران (۱۳۹۸) متغیر مراقبت والدینی که نشان از کفایت در فرزندپروری است، با کشمکش‌های روانی - معنوی رابطه منفی و متغیر حمایت افراطی والدینی با کشمکش‌های روانی - معنوی رابطه مثبت داشت؛ چراکه گرمی و مهر، و همچنین تعهد والدینی می‌تواند سپری باشد در جهت جلوگیری از ایجاد کشمکش‌های روانی -

1. Self-concept

2. parental bonding

3. parker

4. care

5. Warmth

6. commitment

معنوی در فرزندان (به نقل از: هومولکا، ۲۰۱۴). از سوی دیگر، منفی‌گری والدینی^۱ (به نقل از: هومولکا، ۲۰۱۴) و والدگری سخت‌گیرانه و آزارگر^۲ (به نقل از: اکسلاین، هومولکا و گرابز، ۲۰۱۳) و کنترل بیش از حد و عدم پرورش خودمختاری که از ویژگی‌های حمایت افراطی والدینی است، سهم مهمی در ایجاد کشمکش‌های روانی - معنوی در فرزندان دارد. آخرین عامل «عوامل دینی معنوی» است. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که عضویت در گروه‌های اقلیت‌های دینی (بریانت و آستین، ۲۰۰۸)، جهت‌گیری دینی برونی و جستاری (سندیچ، جانکوسکی و لینک، ۲۰۱۰) با کشمکش‌های روانی - معنوی در ارتباط هستند. همچنین تصور دست‌نیافتنی بودن و رازآلود بودن خداوند (بریانت و آستین، ۲۰۰۸)، و دلبستگی مضطرب^۳ یا دوسوگرا با خدا داشتن (آنو و پارگمنت، ۲۰۱۳) نیز، جزو عواملی است که با کشمکش‌های روانی - معنوی مرتبط است. پژوهش‌ها نشان داده‌اند دو سبک دلبستگی به خدا، سبک دلبستگی اضطرابی (اضطراب نسبت به دوست داشتن) و سبک دلبستگی اجتنابی^۴ (پرهیز از صمیمیت در رابطه با خدا) در پدیدایی کشمکش‌های روانی - معنوی مؤثر است. دلبستگی مضطرب و اجتنابی به والدین موجب شکل‌گیری دلبستگی مضطرب و اجتنابی به خداست، و دلبستگی مضطرب و اجتنابی به خدا موجب پدیدایی کشمکش‌های روانی - معنوی است (هومولکا و اکسلاین، ۲۰۱۴؛ آنو و پارگمنت، ۲۰۱۲). برخی بر این باورند که میزان سازش‌یافتگی و ناسازش‌یافتگی شناختی و شخصیتی افراد در نوع دلبستگی فرد با خدا در ایجاد یا عدم ایجاد کشمکش‌های روانی - معنوی دخیل است (گنیا، ۱۹۹۰؛ ۱۹۹۵). طبق برخی یافته‌های کیفی (تبیک، ۱۳۹۸) «دلبستگی اضطرابی (دوسوگرا) به خدا» و «دلبستگی اجتنابی به خدا» رابطه مثبت با کشمکش‌های روانی - معنوی دارند و نیز مطابق بعضی یافته‌های تجربی، میان عوامل شخصیتی و پیوندهای والدینی با سبک‌های دلبستگی به خدا ارتباط وجود دارد (گرابز، اکسلاین، پارگمنت، ۲۰۱۴).

پژوهش‌هایی که تا کنون انجام شده، در میان جمعیت مسیحیان اجرا شده است و افراد پیرو سنت‌های دیگر را نادیده گرفته‌اند. پژوهشگران این عرصه بیان می‌دارند که ممکن است یافته‌های آنها درباره کشمکش‌های روانی - معنوی مخصوص فرهنگ مسیحی - امریکایی باشد (اکسلاین و همکاران، ۲۰۱۴). احراز فرهنگی یا فرافرهنگی بودن این یافته‌ها، وجه دیگری برای ضرورت انجام

1. parental negativity

2. cruel parent concepts

3. Anxious attachment

4. Avoidance attachment

5. Pargament, Exline & Grubbs

چنین پژوهش‌هایی است. طبق پژوهش نقش دین‌داری و کشمکش‌های مذهبی - معنوی در پیش‌بینی اضطراب مرگ با میانجیگری سازمان شخصیت (بهداری جهرمی و همکاران، ۱۴۰۳) انجام شد که طبق آن توان میانجیگری سازمان شخصیت در تبیین رابطه میان دین‌داری و کشمکش‌های روانی - معنوی و شاخص اضطراب مرگ بود. بر اساس پژوهشی دیگر (تبیك، ۱۳۹۸) که در ایران انجام شده است، از طریق روش کیفی به سؤالاتی مانند الگوی مفهومی کشمکش‌های روانی - معنوی در میان مسلمانان، عوامل مؤثر در پدیدایی کشمکش‌های روانی - معنوی، پیامدهای کشمکش‌های روانی - معنوی، و در نهایت، آزمون تجربی یافته‌های کیفی پرداخته است، و در نهایت به تولید و آزمون یک طبقه‌بندی و نظریه جدید از پدیده کشمکش‌های روانی - معنوی در جامعه ایران انجامیده است. بنابراین با توجه به دین‌دار بودن جامعه ایران و نیز نقش کشمکش‌های روانی - معنوی در سلامت جسمانی، روانی و همچنین انجام نشدن پژوهش‌های منسجم تجربی راجع به این مسئله در ایران، پرداختن به این موضوع اهمیت ویژه می‌یابد. بنابراین هدف پژوهش حاضر بررسی نقش شفقت به خود، پیوندهای والدینی و دلبستگی به خدا در کشمکش‌های روانی - معنوی بود.

روش پژوهش

جامعه آماری این تحقیق افراد بزرگسال در محدوده سنی ۲۵ - ۶۰ سال بودند. نمونه‌گیری به روش در دسترس بود و پرسش‌نامه‌ها به صورت اینترنتی نشر داده شد. تعداد ۲۵۵ نفر که متشکل از ۲۱۷ خانم و ۳۸ آقا بودند، در این مطالعه شرکت کردند.

ابزار پژوهش

مقیاس خودشفقت‌ورزی^۱: این مقیاس ابزار سنجش میزان شفقت به خود است که فرم کوتاه آن در پژوهش حاضر استفاده شد. فرم کوتاه مقیاس خودشفقت‌ورزی (رایس و همکاران، ۲۰۱۱) که شامل ۱۲ گویه است با هدف ایجاد ابزاری کوتاه‌تر با ساختار عاملی مشابه با فرم ۲۶ سؤالی تدوین و ویژگی‌های روان‌سنجی آن را در جمعیت آلمانی بررسی کردند. این پرسش‌نامه شامل ۶ خرده‌مقیاس خودخواهی، قضاوت خود، احساسات مشترک انسانی، انزوا، ذهن آگاهی و بزرگ‌نمایی است. نمره‌گذاری آزمون در اندازه‌های ۵ درجه‌ای لیکرت است. سازگاری داخلی خرده‌مقیاس‌های SCS - SF بین ۰/۵۵ تا ۰/۸۲ بود. پایایی برای

1. self-compassion scale

همه خرده‌مقیاس‌ها به‌جز خودخواهی بالاتر از ۰/۶۰ بود و آلفاهای کرونباخ در نمونه آلمانی از ۰/۶۰ و بالاتر عموماً برای استفاده در گروه‌ها قابل قبول تلقی می‌شوند. در پژوهشی در ایران که به‌وسیله موتابی و همکاران (۱۳۹۲) در دانشگاه تهران انجام شد، نتایج حاکی از همسانی درونی بالا (آلفای کرونباخ ۰/۸۶ از زیرمقیاس) و همبستگی بالا با فرم بلند مقیاس خودشفقت‌ورزی (۰/۹۷) بود. همچنین تحلیل عوامل نشان داد که فرم کوتاه کاملاً مشابه با فرم بلند است و متشکل از ۶ خرده‌مقیاس است و تقریباً به‌اندازه فرم بلند کارایی دارد. در نهایت می‌توان گفت مقیاس خودشفقت‌ورزی از روایی و پایایی بالایی در جمعیت ایرانی برخوردار است و با توجه به آن می‌توان از آن در جامعه ایران نیز استفاده کرد. آلفای کرونباخ در پژوهش حاضر ۰/۸۴ به‌دست آمد.

پرسش‌نامه پیوند والدینی:^۱ پرسش‌نامه پیوند خانوادگی (PBI) توسط گوردن پارکر، هیلاری تاپلینگ و ال. بی. بران ساخته شده است که از ۲۵ گویه و ۲ خرده‌مقیاس مراقبت (۱۲ سؤال) و حمایت افراطی (۱۳ سؤال) تشکیل شده است که به‌منظور سنجش پیوند خانوادگی به‌کار می‌رود.

نمره‌گذاری پرسش‌نامه به‌صورت طیف لیکرت چهار نقطه‌ای می‌باشد که برای گزینه‌های «خیلی زیاد»، «تقریباً زیاد»، «تقریباً کم» و «خیلی کم» به ترتیب امتیازات ۰، ۱، ۲ و ۳ در نظر گرفته می‌شود. در بررسی‌های اولیه اعتبار آزمون توسط پارکر از طریق آلفای کرونباخ برای زیرمقیاس مراقبت، ۰/۶۲ تا ۰/۶۳ و برای مقیاس بیش از حد حمایت‌کنندگی، ۰/۶۶ تا ۰/۸۷ به‌دست آمد. نمرات بالا در بعد بیش از حد حمایت‌کنندگی و نمرات پایین در بعد مراقبت به پیوند مشکل‌دار اشاره دارد. PBI دارای روایی هم‌گرایی بالایی است (۰/۸۱). آلفای کرونباخ در این پژوهش برای حمایت افراطی ۰/۸۷ و برای مراقبت ۰/۸۵ محاسبه شد.

پرسش‌نامه سبک دلبستگی به خدا:^۲ این پرسش‌نامه برگرفته از مدل کرک‌پاتریک (۱۹۹۹)، توسط بک و مک دونالد در سال ۲۰۰۴ ساخته شد. این پرسش‌نامه دارای ۲۸ گویه پنج‌گزینه‌ای است. این پرسش‌نامه دو جنبه «اجتناب از صمیمیت با خدا» (۱۴ گویه)، و اضطراب از طرد شدن از سوی خدا (۱۴ گویه) را می‌سنجد. بک و مک دونالد (۲۰۰۴) ضریب پایایی ۱۴ گویه اضطراب از طرد را به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۲ و ۱۴ گویه اجتناب از صمیمیت را ۰/۸۳ برآورد کرده‌اند. ضرایب آلفای کرونباخ برای جنبه اجتناب از صمیمیت و اضطراب از طرد به ترتیب ۰/۸۴ و ۰/۸۱ بود. در

پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ برای سبک دلبستگی اضطرابی ۰/۸۶ و برای سبک دلبستگی اجتنابی ۰/۴۰ به دست آمد.

مقیاس کشمکش‌های دینی و معنوی:^۱ اکسلاین و همکاران (۲۰۱۴) مقیاسی ساخته‌اند که شش قلمرو از کشمکش‌های روانی - معنوی را ارزیابی می‌کند: الهی (هیجان منفی با محوریت باورهای درباره خداوند یا رابطه ادراک‌شده با خداوند)، اهریمنی (نگرانی درباره اینکه شیطان یا ارواح اهریمنی به فردی حمله می‌کنند یا باعث وقایع ناگوار می‌شوند)، بین فردی (نگرانی درباره تجربه‌های منفی در ارتباط با مردم و نهادهای دینی، تعارض‌های بین شخصی پیرامون مسائل معنوی)، اخلاقی (دست‌وپنجه نرم کردن با تلاش برای پیروی از اصول اخلاقی، نگرانی یا احساس گناه درباره گناهانی که فرد گمان می‌کند مرتکب شده است)، تردید (احساس نگرانی و آشفتگی به خاطر تردید یا پرسش درباره باورهای دینی و معنوی فرد)، و معنای غایی (نگرانی درباره فقدان معنای عمیق ادراک‌شده در زندگی فرد). روایی هم‌گرا و افتراقی و پیش‌بین و همچنین همسانی درونی این مقیاس مناسب گزارش شده است (اکسلاین و همکاران، ۲۰۱۴). در راستای روایی پیش‌بین، همبستگی معنادار این مقیاس با نشانگان افسردگی ۰/۴۲، اضطراب تعمیم‌یافته ۰/۴۰، خشم ۰/۳۴، تنهایی ۰/۳۵، رضایت از زندگی ۰/۲۱-، و معنای زندگی ۰/۲۲- گزارش شده است، و در راستای روایی هم‌گرا و افتراقی، این مقیاس توانست خشم و ناامیدی نسبت به خدا (۰/۳۷)، ترس و احساس گناه دینی (۰/۳۲)، تردید دینی (۰/۴۲)، اسناد کشمکش به خدا (۰/۱۳) جست‌وجوی معنای زندگی (۰/۰۸) را به‌طور معنادار پیش‌بینی کند. در پژوهش تیک (۱۳۹۸) این مقیاس برای اولین بار فرایند ترجمه و ترجمه برگردان را طی کرد و برای اولین بار بر روی نمونه‌های ایرانی اجرا شد. طبق این یافته‌ها، ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۹ بود. همچنین همبستگی مثبت معنادار آن در سطح ۰/۰۱ با شاخص‌های سلامت روان نشان از روایی پیش‌بین بالای این مقیاس در نمونه‌های ایرانی داشت.

به‌منظور بررسی و تجزیه‌وتحلیل داده‌ها در بخش اول از شاخص‌های جمعیت‌شناختی و توصیفی شامل فراوانی، درصد، بیشینه، کمینه، میانگین و واریانس استفاده شد. در بخش دوم از آزمون‌های ضریب همبستگی پیرسون، رگرسیون سلسله مراتبی، تحلیل واریانس و تحلیل معادلات ساختاری برای به‌دست آوردن ارتباط متغیرها استفاده شد. برای ثبت و تجزیه‌وتحلیل داده‌ها از

نرم افزارهای AMOS24 و SPSS26 استفاده شد.

یافته‌ها

شرکت‌کنندگان در تحقیق حاضر شامل ۸۵/۲ درصد خانم و ۱۴/۸ درصد آقایان هستند. ۷۳/۷ درصد از شرکت‌کنندگان را متأهلین و ۲۶/۳ درصد از شرکت‌کنندگان را مجردین تشکیل دادند. جدول ۱ میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۱: همبستگی، میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش

خوددشفت‌ورزی	مراقبت	حمایت	دلبستگی اضطرابی	دلبستگی اجتنابی	کشمکش الهی	کشمکش اهریمنی	کشمکش اخلاقی	کشمکش تردید	کشمکش معنا	کشمکش بین‌فردی
۱										
خ.ش										
م	۰/۳۸									
ح	۰/۲۵	۰/۴۹								
د.اض	۰/۵۹	۰/۲۷	۰/۲۰							
د.اج	۰/۳۱	۰/۲۰	۰/۲۱	۰/۵۰						
کش.ال	۰/۳۴	۰/۳۰	۰/۱۳	۰/۵۹	۰/۴۴					
کش.ا.ه	۰/۳۲	۰/۰۸	۰/۱۴	۰/۳۷	۰/۱۷	۰/۳۱				
کش.اخ	۰/۴۶	۰/۲۸	۰/۱۵	۰/۵۷	۰/۲۰	۰/۳۸	۰/۴۲			
کش.تر	۰/۳۵	۰/۲۹	۰/۲۰	۰/۵۴	۰/۴۴	۰/۵۹	۰/۳۱	۰/۵۴		
کش.مع	۰/۴۳	۰/۲۶	۰/۱۵	۰/۶۱	۰/۴۴	۰/۶۳	۰/۳۸	۰/۵۰	۰/۶۹	
کش.ب	۰/۲۵	۰/۳۳	۰/۳۲	۰/۳۴	۰/۳۹	۰/۴۰	۰/۱۸	۰/۳۵	۰/۵۰	۰/۵۰
میانگین	۴۰/۲۴	۱۳/۲۹	۲۳/۴۸	۳۴/۰۵	۱۷/۹۱	۶/۹۰	۶/۰۱	۱۰/۲۴	۶/۵۶	۶/۸۶
انحراف.ا	۷/۷۱	۷/۴۱	۷/۶۳	۹/۹۸	۵/۰۶	۳/۰۲	۲/۷۷	۳/۳۶	۳/۴۶	۳/۰۹

همبستگی‌های دوه‌دو بین متغیرهای تحقیق (جدول ۱) در تمامی موارد - به جز یکی - معنادار است. تنها مورد استثنا رابطه مراقبت با کشمکش اهریمنی است که میزان همبستگی نزدیک به صفر و غیرمعنادار است. با توجه به معناداری همبستگی‌های درونی دو مجموعه عوامل درون‌فردی و کشمکش‌های روانی - معنوی، تفسیر درست همبستگی‌های دوه‌دوی بین دو مجموعه، منوط به کنترل هم‌پوشی‌های داخل هر مجموعه خواهد بود. از آنجاکه هم متغیرهای پیش‌بین، هم متغیرهای ملاک چندگانه هستند، بهترین راه بررسی رابطه این دو مجموعه، استفاده از همبستگی بنیادی است، اما پیش از آن می‌توان با قرار دادن نمره کلی کشمکش‌های روانی - معنوی در جایگاه متغیر ملاک، با استفاده از رگرسیون چندگانه به نقش عوامل درون‌فردی در تبیین این کشمکش‌ها در هیئت کلی آن پرداخت.

جدول ۲: نتیجه تحلیل رگرسیون پیش‌بینی نمره کلی کشمکش‌ها بر اساس عوامل درون‌فردی

منبع واریانس	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	معناداری	R	R2
رگرسیون	۱۱۲/۲۲	۵	۲۲/۴۴	۵۵/۹۱	۰/۰۰	۰/۷۲	۰/۵۲
باقی‌مانده	۹۹/۹۶	۳۴۹	۰/۴۰				
کل	۲۱۲/۱۹	۲۵۴					

رگرسیون نمره کلی کشمکش‌های روانی - معنوی بر عوامل درون‌فردی معنادار است (جدول ۲). این رابطه، بر اساس ضریب تعیین بیش از نیمی از واریانس کشمکش‌های روانی - معنوی را تبیین می‌کند. حال باید دید کدام‌یک از پیش‌بین‌ها در این معادله دارای ضریب رگرسیونی معنادار هستند. همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، به‌جز خودشفقت‌ورزی و حمایت افراطی، سایر پیش‌بین‌ها دارای ضریب رگرسیونی معنادار هستند. هر سه متغیر مراقبت، دلبستگی اضطرابی و دلبستگی اجتنابی دارای ضریب مثبت هستند. بنابراین بیشترین وزن پیش‌بینی کشمکش‌های روانی - معنوی بر دوش این سه متغیر است و از بین این سه، با مقایسه ضرایب استانداردشده بتا، مشخص می‌شود که بیشترین نقش را در پیش‌بینی، دلبستگی اضطرابی به عهده دارد.

جدول ۳: ضرایب معادله رگرسیون پیش‌بینی نمره کلی کشمکش‌ها بر اساس عوامل درون‌فردی

پیش‌بین‌ها	B	خطای استاندارد	بتا	T	معناداری
مقدار ثابت	-۲/۰۶	۰/۴۵		-۴/۴۹	۰/۰۰
خودشفقت‌ورزی	-۰/۰۰۸	۰/۰۰۷	-۰/۷/۰	-۱/۲۴	۰/۳۱
مراقبت	۰/۰۱	۰/۰۰۶	۱۴/۰	۲/۷۹	۰/۰۰۶
حمایت افراطی	-۰/۰۰۲	۰/۰۰۶	-۰/۱/۰	-۲۹/۰	۰/۷۷
دلبستگی اضطرابی	۰/۰۴	۰/۰۰۵	۵۲/۰	۸/۷۴	۰/۰۰
دلبستگی اجتنابی	۰/۲/۰	۰/۰۰۹	۱۶/۰	۳/۲۰	۰/۰۰۲

رابطه بین عوامل درون‌فردی به‌عنوان یک مجموعه از یک‌سو و کشمکش‌های روانی - معنوی از سوی دیگر، با استفاده از همبستگی بنیادی بررسی شد.

جدول ۴: همبستگی بنیادی میان عوامل درون‌فردی و کشمکش‌های روانی - معنوی

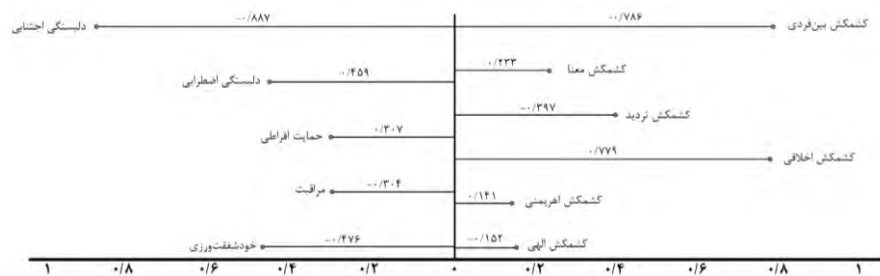
ردیف	همبستگی بنیادی	مقدار ویژه	آمار ولیکز	F	درجه آزادی صورت	درجه آزادی مخرج	معناداری
۱	۰/۷۵	۱/۲۹	۰/۳۲	۱۰/۶۴	۳۰/۰۰	۹۷۸/۰۰	۰/۰۰
۲	۰/۴۰	۰/۲۰	۰/۷۴	۳/۸۳	۲۰/۰۰	۸۱۳/۵۲	۰/۰۰
۳	۰/۲۵	۰/۰۶	۰/۸۹	۲/۴۲	۱۲/۰۰	۶۵۱/۱۴	۰/۰۰۴
۴	۰/۲۰	۰/۰۴	۰/۹۵	۲/۰۱	۶/۰۰	۴۹۴/۰۰	۰/۰۶
۵	۰/۰۷	۰۰/۰۶	۰/۹۹	۰/۰۷	۱/۰۰۲	۲۴۸/۰۰	۴۹/۰

از بین پنج همبستگی بنیادی به دست آمده بین دو مجموعه، سه مورد نخست معنادارند (جدول ۴). این تعداد نشان می‌دهد رابطه عوامل درون فردی و کشمکش‌های روانی - معنوی از سه زاویه قابل بررسی است. با توجه به مقدار همبستگی‌های بنیادی، ارتباطی که از منظر زاویه نخست بین دو مجموعه مشاهده می‌شود، از اهمیت بسیار بیشتری برخوردار است. دومین زاویه نیز ارتباطی قابل توجه را پوشش می‌دهد، اما سومین زاویه ارتباطی ضعیف‌تر، اما به‌هرحال معنادار و قابل اعتنا را نشان می‌دهد. سهم و نقش هریک از متغیرهای دو مجموعه در زوایای ارتباطی یادشده، به همراه ضرایب بنیادی استاندارد شده هر متغیر، در شکل‌های ۱ تا ۳ به تصویر کشیده شده است.



شکل ۱: ضرایب بنیادی مربوط به نخستین همبستگی بنیادی بین دو مجموعه

نخستین همبستگی بنیادی که حاکی از قوی‌ترین زاویه ارتباطی بین عوامل درون فردی و کشمکش‌های روانی - معنوی است، در شکل ۱ نمایان است. سمت چپ این شکل، ضرایب بنیادی عوامل درون فردی و سمت راست، این ضرایب را برای کشمکش‌های روانی - معنوی نمایش می‌دهد. از بین عوامل درون فردی، دلستگی اضطرابی با تفاوتی قابل ملاحظه، بیشترین سهم را در این ارتباط دارد. در مقابل کشمکش‌های الهی، اخلاقی و معنا هستند که بیشترین سهم را دارند. ضرایب مربوط به تمامی متغیرهای یادشده مثبت است.



شکل ۲: ضرایب بنیادی مربوط به همبستگی بنیادی دوم بین دو مجموعه

در دومین همبستگی بنیادی (شکل ۲)، دل‌بستگی اجتنابی با علامت منفی در یک‌سو بیشترین نقش را ایفا کرده است و در سوی مقابل، کشمکش بین‌فردی با علامت منفی و کشمکش اخلاقی با علامت مثبت به‌عنوان تعیین‌کننده‌های اصلی رابطه ظاهر شده‌اند.



شکل ۳: ضرایب بنیادی مربوط به همبستگی بنیادی سوم بین دو مجموعه

سومین رابطه بنیادی بین دو مجموع در سمت چپ شکل ۳ با تفوق حمایت افراطی و خودشفقت‌ورزی، هر دو با علامت مثبت خودنمایی می‌کند. در سمت راست کشمکش‌های بین‌فردی و اهریمنی با علامت منفی و کشمکش الهی با علامت مثبت، بیشترین سهم را در رابطه نشان داده‌اند.



۹۸

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر بررسی ارتباط میان متغیرهای شفقت به خود، پیوندهای والدینی، دل‌بستگی به خدا و کشمکش‌های روانی - معنوی بود. بررسی همبستگی بنیادی میان متغیرهای تحقیق نشان داد متغیر خودشفقت‌ورزی با کشمکش‌های روانی - معنوی ارتباط معنادار و غیرهمسو دارد. پژوهش پارگامنت (۲۰۱۶) که پیوند میان کشمکش‌های روانی - معنوی و ویژگی‌های شخصیتی را بررسی کرده است، رابطه منفی خودشفقت‌ورزی با کشمکش‌های روانی - معنوی را تأیید کرده است. این یافته با یافته‌های پژوهش حاضر همسو بود. در پژوهش‌های اکسلاین و همکاران (۲۰۱۷) و گرابز (۲۰۱۶) سه کشمکش اخلاقی، الهی و معنای غایی با خودشفقت‌ورزی همبستگی منفی نشان داده و کشمکش‌های اهریمنی، بین‌فردی و تردید با خودشفقت‌ورزی رابطه معناداری نداشتند. در پژوهش اکسلاین و همکاران (۲۰۱۸) درمورد استحقاق معنوی و خودشیفتگی و ارتباط آنها با کشمکش الهی، نگرش نامطلوب نسبت به خود، برابر با استحقاق پایین روان‌شناختی بود و با کشمکش الهی رابطه مثبت داشت. این یافته‌ها با یافته

پژوهش حاضر همسو بود. در تبیین این یافته می‌توان گفت افراد خودشفقت‌ورز دیدگاه حمایت‌گرانه داشته و پریشانی کمتری را تجربه می‌کنند. انتظار می‌رود افرادی که میزان خودشفقت‌ورزی بالاتری دارند از سلامت روان‌شناختی بالاتری برخوردار باشند؛ زیرا کمتر در مورد خود قضاوت منفی داشته و بزرگ‌نمایی کمتری در مورد افکار و احساسات منفی خود دارند. فردی که خودشفقت‌ورز است در قدم اول تلاش می‌کند تا خود را از تجربه رنج محافظت کند. بنابراین خودشفقت‌ورزی باعث بروز - رفتارهای - سازش‌یافته در جهت حفظ و ارتقای سلامت روانی مؤثر می‌شود. همچنین خودشفقت‌ورزی با خودتنظیم‌گری برای مقابله با استرس رابطه دارد. افراد خودشفقت‌ورز، اجتناب کمتری دارند و بیشتر از راهبردهای مسئله‌محور استفاده می‌کنند که این امر در کاهش تجربه اضطراب و افسردگی بسیار بااهمیت است (نف، ۲۰۱۱). همچنین عصبانیت و عدم خودشفقت‌ورزی ممکن است تردید دینی ایجاد کند (من نمی‌توانم باور کنم که یک خدای مهربان این کار را می‌کند) یا منجر به عدم ایمان به‌عنوان راهی برای کنار گذاشتن ارتباط با خدا می‌شود. مطالعات نشان می‌دهد وقتی مردم خدا را جدا مسئول می‌دانند و نیت خدا را ظالمانه می‌دانند، نسبت به خدا عصبانیت ورزیده، دچار احساسات منفی نسبت به خدا شده و روند معنوی سالمی را طی نمی‌کنند (بک ۲۰۰۷؛ اکسلاين و کاپلان، ۲۰۱۰؛ مانند هال، ۲۰۰۲). خودشفقت‌ورزی با تجسم خدای مهربان ارتباط دارد و باعث کاهش کشمکش‌های روانی - معنوی می‌شود. تغییرات در خداشناسی فرد به‌مرور زمان اتفاق می‌افتد و نتیجه آن چگونگی تجربه خدا در نتیجه کشمکش‌هاست. از آنجاکه کشمکش‌های روانی - معنوی با تغییرات آینده در تصاویر خدا همراه است، چنین اثراتی در نهایت تجربه آنها را تغییر می‌دهد. بنابراین ممکن است که افراد متناسب با تجربیات خود یک تجربه و خداشناسی را ایجاد کنند، نه اینکه برای همسو شدن با اعتقادات کلامی خود تصور خود را از تجربیات خود تغییر دهند (ویلت و همکاران، ۲۰۱۷). کسانی که خودشفقت‌ورزی پایینی دارند تصور خود از خدا را هم بر اساس انتساب منفی قرار داده و در نتیجه اتفاقات ناگوار و پریشانی‌ها، تصور حمایت‌گر نسبت به خدا نداشتند و در نتیجه آن، دل‌بستگی اضطرابی یا اجتنابی داشته و دچار کشمکش‌های روانی - معنوی خواهند شد. بر اساس پژوهش‌های تجربی به‌دست آمده، انگاره بدخواهانه از نقش خداوند در رنج‌ها و مصیبت‌ها رابطه مثبت با تجربه کشمکش‌های الهی دارد (به نقل از: ویلت و همکاران، ۲۰۱۶). همان‌طور که از یافته‌های این پژوهش به‌دست آمد خودشفقت‌ورزی بالاتر با دل‌بستگی اضطرابی کمتر و میزان کمتری از کشمکش‌های الهی و معنا و تردید ارتباط دارد که این یافته با پژوهش‌های پیشین همسو است، ولی ویژگی خودشفقت‌ورزی با کشمکش‌های روانی - معنوی ضریب رگرسیونی معناداری از خود نشان نداد.

طبق یافته‌های پژوهش تبیک و همکاران (۱۳۹۸) بر اساس مدل مفهومی کشمکش‌های روانی - معنوی در ایران متغیر مراقبت والدینی که نشان از کفایت در فرزندپروری است، با کشمکش‌های روانی - معنوی رابطه منفی و متغیر حمایت افراطی والدینی با کشمکش‌های روانی - معنوی رابطه مثبت داشت؛ چراکه گرمی و مهر، و همچنین تعهد والدینی می‌تواند سپری باشد در جهت جلوگیری از ایجاد کشمکش‌های روانی - معنوی در فرزندان (به نقل از: هومولکا، ۲۰۱۴). و از سوی دیگر، منفی‌گری والدینی (به نقل از: هومولکا، ۲۰۱۴) و والدگری سخت‌گیرانه و آزارگر (به نقل از: اکسلاین، هومولکا، و گرابز، ۲۰۱۳) و کنترل بیش از حد و عدم پرورش خودمختاری که از ویژگی‌های حمایت افراطی والدینی است، سهم مهمی در ایجاد کشمکش‌های روانی - معنوی در فرزندان دارد. نتایج این پژوهش نیز این یافته‌ها را تأیید کرد. بر اساس یافته‌های تجربی پژوهش حاضر، بررسی همبستگی بنیادی نشان داد که دو متغیر حمایت افراطی و مراقبت با کشمکش‌های روانی - معنوی همبستگی معناداری دارند که مراقبت ارتباط معکوس و حمایت در جهت کشمکش‌های روانی - معنوی بود. در مطالعه پارگامنت (۲۰۱۲) و هال و ادواردز (۲۰۰۲) که بررسی روابط بین کشمکش‌های الهی و پیوند والدینی را انجام داده‌اند نیز، به این نتیجه رسیده‌اند که رابطه با والدین با کشمکش‌های روانی - معنوی ارتباط داشته است. در تبیین این یافته می‌توان گفت از آنجایی که پیوندهای والدینی که شامل حمایت افراطی و مراقبت است در شکل‌گیری بسیاری از خصوصیات فرد تأثیر دارد. خانواده از طریق گفت‌وگو و سرمشق‌دهی به شخصیت کودک شکل می‌دهد و شیوه‌های فکری و روش‌های عملی‌ای که به عادت تبدیل می‌شوند را در او القا می‌کند (کوچابسکا، ۱۹۹۰، به نقل از: رایس، ۲۰۰۱). طبق تحقیق هومولکا (۲۰۱۴) سه عامل در رابطه با پیوندهای والدینی وجود دارد که عبارت‌اند از: ۱. تسهیل در رابطه؛ ۲. عامل منفی یا نگانیتو؛ ۳. عامل عاطفی و قابل اطمینان بودن. از بین این عوامل، عامل منفی شامل متضاد، مجازات‌کننده، تعارض‌آمیز و جنبه عاطفی که در واقع عشق و تعهدی است که والدین به فرزندان منتقل می‌کنند، در به وجود آمدن کشمکش‌های روانی - معنوی مؤثر است. پارکر و همکاران (۲۰۱۳) عنوان می‌کنند که عوامل والدینی، دوقطبی هستند. در یک‌سو مراقبت که شامل عطوفت، گرمی عاطفی، همدلی و نزدیکی است و در سوی دیگر، حمایت افراطی، یعنی سردی عاطفی، بی‌تفاوتی و غفلت قرار دارد. در سمت حمایت افراطی، دخالت، تماس بیش از حد، جلوگیری از استقلال، و در سوی مراقبت، اجازه استقلال دادن و خودمختاری به فرزند قرار دارد. طبق یافته‌های پژوهش حاضر، رابطه متغیر

حمایت افراطی با کشمکش‌های روانی - معنوی معنادار نبود و پیش‌بین کشمکش‌های روانی - معنوی نبود، که این یافته برخلاف تصور ما از پژوهش بود. با توجه به اینکه بر اساس یافته‌ها همبستگی میان حمایت افراطی و کشمکش‌های روانی - معنوی تأیید شده است، بر همین اساس توصیه می‌شود در پژوهش‌های آتی واسطه‌گری سبک دلبستگی به خدا مورد آزمون قرار بگیرد.

با توجه به ارتباط بین کشمکش‌های روانی - معنوی و چگونگی ارتباط فرد با خدا والدین (در تحقیق کشمکش‌های الهی)، گام منطقی بعدی ارزیابی منظم سهم والدین و خدا در این امر است. در تحقیقات بک و مک دونالد (۲۰۰۴) پاسخ‌دهندگانی که گزارش می‌کردند از والدینی که از نظر روحی سرد یا غیر مذهبی بودند، در روابط خود با خدا اجتناب از صمیمیت را نشان می‌دادند که این روند مطابق با سبک دلبستگی ناایمن بود. والدین بیش از حد محافظ، سفت و سخت یا استبدادی با سطوح بالاتری از هر دو اجتناب از صمیمیت و اضطراب نسبت به دوست داشتن در رابطه با خدا همراه بودند؛ روندی که با سبک دلبستگی اضطرابی مشخص می‌شود نظریه دلبستگی به‌طور گسترده‌ای به‌عنوان یک مدل گسترده شامل رشد روانی - اجتماعی و عاطفی پذیرفته شده است (کرک‌پاتریک، ۱۹۹۸). یافته‌های این بررسی با یافته‌های پژوهش حاضر همسو بود. در پژوهش حاضر نیز دلبستگی اضطرابی با متغیر حمایت والدینی رابطه مستقیم و معنادار و با متغیر مراقبت رابطه معکوس و معنادار داشت. در مطالعه‌ای در لهستان، همبستگی مثبت بین همه کشمکش‌های روانی - معنوی و استرس درک‌شده وجود داشت. این نتایج با نتیجه تحقیق حاضر که نشان می‌دهد سبک دلبستگی ناایمن به خدا باعث افزایش تجربه کشمکش روانی - معنوی در فرد می‌شود، همسو است. این یافته نیز با یافته‌های پژوهش حاضر که نشان می‌دهد سبک دلبستگی اضطرابی پیش‌بینی‌کننده کشمکش‌های الهی، اخلاقی و معناست، همسو می‌باشد.

فدر پژوهش غباری بناب و همکاران (۱۳۹۵) بررسی رابطه بین دلبستگی به خدا، دلبستگی به بزرگسالان و تاب‌آوری با خودشفقت‌ورزی و ذهن‌آگاهی نشان داد که بین دلبستگی ایمن به خدا با تاب‌آوری، ذهن‌آگاهی و خودشفقت‌ورزی رابطه مثبت و معنادار برقرار است، ولی بین دلبستگی اجتنابی با تاب‌آوری، ذهن‌آگاهی و خودشفقت‌ورزی رابطه منفی وجود داشت. همچنین افرادی که دلبستگی‌شان به خدا ایمن بود، برای خود ارزش قائل می‌شدند و می‌دانستند که خداوند آنان را دوست دارد و کمک‌کننده و جواب‌دهنده به خواست‌ها و دعا‌های آنان است. بر عکس افراد با دلبستگی اجتنابی، خدا را دور از دسترس می‌دانستند و از او دوری می‌کردند؛ در نتیجه

کشمکش‌های روانی - معنوی بیشتری را تجربه می‌کردند. در پژوهش حاضر نیز دلبستگی اضطرابی با خودشفقت‌ورزی رابطه معکوس و معنادار داشته و کشمکش‌های روانی - معنوی را پیش‌بینی می‌نماید. در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت، طبق نظر باولبی (۱۹۸۰) پیوند دلبستگی اولیه با استفاده از تجربیات روزانه مکرر با مراقبان، مدل‌های داخلی دلبستگی را شکل می‌دهد و این مدل‌ها به‌عنوان راهنمایی برای تعاملات اجتماعی آینده در کل طول عمر است. به‌طور خلاصه، ادعا شده است که رابطه شخصی اولیه مدلی مشابه سایر روابط دلبستگی انسان را دارد (به نقل از: کرک‌پاتریک، ۱۹۸۵، آیزنورث، ۱۹۹۹). همچنین کرک‌پاتریک (۱۹۹۱) به‌عنوان یکی از نخستین نظریه‌پردازان در زمینه دلبستگی به خدا، معتقد است که دلبستگی به مراقب اولیه در دوران کودکی با گذشت زمان و در چهارچوب نظام‌های دیگر، همانند دلبستگی به خدا و وطن ادامه می‌یابد. به اعتقاد او می‌توان از نظریه دلبستگی برای مطالعه و شناسایی رفتارهای دینی و شناخت کیفیت اعتقادات دینی نیز استفاده کرد. خدا به‌عنوان موضوع دلبستگی دارای ویژگی‌هایی است که در پی می‌آیند: الف) خدا به‌عنوان پناهگاه مطمئن: افراد در شرایط تنیدگی‌زا و بحرانی به دین رجوع می‌کنند و به‌سوی خدا می‌روند؛ ب) خدا به‌عنوان پایه و اساس ایمنی: فرد با اعتقاد اینکه خدا اساس ایمنی است، احساس قدرت می‌کند و اعتماد به نفس او به‌هنگام اضطراب و ترس افزایش می‌یابد؛ ج) آرامش‌روانی: این احساس ایمنی به آرامش‌روانی در فرد منجر می‌شود و وی را برای مقابله با مشکلات و چالش‌های زندگی آماده می‌کند. بنابراین ایمنی به‌عنوان پادزهری در برابر ترس و اضطراب است. تحقیقات مختلفی شامل پیوندهای بین روابط والدین و رابطه ادراک‌شده با خداست. ده‌ها مطالعات به‌عنوان مثال، بیرکی و بال، ۱۹۸۷؛ کرک‌پاتریک و گرانک‌ویست، ۲۰۱۳؛ هال و فوجی کاوا، ۲۰۱۳؛ تامی و دسجاردینز، ۱۹۷۵؛ ورگوت و همکاران، ۱۹۶۹، در این زیرشاخه نشان داده است که افراد تمایل دارند که چگونه رابطه خود را با خدا مفهوم‌بندی کنند. دلبستگی به خدا شبیه روابط انسانی، از جمله روابط والدین است. به‌عنوان مثال، اگر کسی پدر و مادر خود را دوست‌داشتنی تصور کند، احتمالاً او خدا را نیز دوست‌داشتنی درک می‌کند (گرانک‌ویست، ۲۰۱۰؛ گرانک‌ویست و کرک‌پاتریک، ۲۰۱۳؛ هال و فوجی کاوا، ۲۰۱۳). بررسی و تحلیل آموزه‌های دینی و اعتقادی ادیان توحیدی، و نیز تحلیل رفتارهای معتقدان به ادیان نیز، نشان می‌دهد که یک یا ترکیبی از مؤلفه‌های سه‌گانه «ترس از خدا»، «نساز به خدا» و «محبت به خدا» محور و بنیاد اصلی رفتارهای دینی است (مظاهری، پسندیده و صادقی، ۱۳۸۹).

یکی از تبیین‌های مبتنی بر آیات قرآن که می‌تواند رابطه میان نوع دلبستگی فرد به خدا و پدیدایی کشمکش‌های روانی معنوی را ترسیم کند، پژوهش پسندیده (۱۳۹۵) است. بر اساس یافته‌های این پژوهش، واکنش افراد در مواجهه با مسائل و مشکلات زندگی به دو گونه است: واکنش مثبت و واکنش منفی. بر اساس آیات قرآن، واکنش‌های منفی افراد به ناخوشایندها و ابتلائات زندگی را می‌توان ذیل پنج الگوی «فرح - قنوط»، «فرح - کفران»، «فرح - فخر؛ یاس - کفران»، «دعا - اعراض» و «جزع - منع» قرار داد (پسندیده، ۱۳۹۵، ص ۳۴۴-۳۵۹). این پنج الگو را می‌توان نمونه‌های بارز نوع دلبستگی منفی فرد به خداوند قرار داد که موجبات کشمکش‌های معنوی را در فرد پدید می‌آورد.

بر اساس دیدگاه کرک‌پاتریک (۱۹۹۱)، اگرچه جدایی از خدا موجب اضطراب و فقدان او موجب غم و اندوه می‌شود، اما این موارد را می‌توان به راحتی از طریق آزمون‌ها سنجید. کرک‌پاتریک بر این باور است که سبک دلبستگی بزرگسالان و دین با یکدیگر مرتبط‌اند (کاسیدی و شیور، ۱۹۹۱). دلبستگی می‌تواند به عنوان عاملی مهم در شکل‌گیری ساختار پنج عامل اصلی شخصیت نیز مؤثر باشد. نتایج پژوهش بشارت، گلی‌نژاد و احمدی (۱۳۸۲) نشان داد که آزمودنی‌های دارای سبک دلبستگی ایمن، نسبت به آزمودنی‌های دارای سبک دلبستگی ناایمن، مشکلات بین‌فردی کمتری داشتند. هیل و پارگامنت (۲۰۱۶) معتقدند معنویت و ارتباط با خدا داشتن به افراد احساس معنا در زندگی می‌دهد. بر اساس مطالعه حاضر سلامت روان و پیوندهای والدینی سالم با رابطه ادراک‌شده با خدا همبستگی دارد. همان‌طور که در بررسی همبستگی بنیادی مشخص شد، دلبستگی اضطرابی بیشترین سهم را در تبیین کشمکش‌های روانی - معنوی داشته و در مقابل در میان خرده‌مقیاس‌های کشمکش‌های روانی - معنوی، کشمکش‌های الهی، اخلاقی و معنا هستند که با ضریب مثبت بیشترین مقدار را دارند. نتیجه به دست آمده در این پژوهش نشان می‌دهد که متغیر سبک دلبستگی به خدا در این ارتباط نقش بسزایی دارد. از آنجایی که ضریب رگرسیون متغیر حمایت والدینی معنادار نبود و به نظر می‌رسد مابقی متغیرها، یعنی مراقبت و خودشفقت‌ورزی تأثیری غیر مستقیم بر کشمکش‌های روانی - معنوی دارند، توصیه می‌شود در تحقیقات آینده، سبک دلبستگی به خدا به عنوان متغیر میانجی بررسی شده و به صورت مدل آزمون شود.

منابع

آذربایجانی، مسعود (۱۴۰۲). سلامت معنوی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
بشارت، محمدعلی؛ گلی‌نژاد، محمد و احمدی، علی اصغر (۱۳۸۲). بررسی رابطه سبک‌های

دلبستگی و مشکلات بین‌شخصی. روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران، اندیشه و رفتار، ۸(۳۲)، ۷۴ - ۸۱.

بهادری جهرمی، روح‌الله؛ غنوی، فاطمه و جان‌بزرگی، مسعود (۱۴۰۳). نقش دین‌داری و کشمکش‌های مذهبی - معنوی در پیش‌بینی اضطراب مرگ با میانجیگری سازمان شخصیت. مطالعات اسلام و روان‌شناسی، ۱۸، ۱۱۷ - ۱۴۲.

پسندیده، عباس (۱۳۹۵). الگوی اسلامی شادکامی. قم: دار الحدیث.

تبیك، محمدتقی (۱۳۹۸). تدوین مدل مفهومی کشمکش‌های روانی - معنوی در ایران: روش آمیخته. رساله دکتری. دانشگاه تربیت مدرس.

تبیك، محمدتقی؛ فتحی آشتیانی، علی؛ جان‌بزرگی، مسعود و رسول‌زاده طباطبایی، سیدکاظم (۱۴۰۱). مدل مفهومی کشمکش‌های روانی معنوی در ایران: مطالعه کیفی. روان‌شناسی فرهنگی، ۶(۱)، ۱ - ۲۳.

سروقد، سیروس؛ بهزادی، بهناز و سامانی، سیامک (۱۳۹۰). تحلیل عامل تأییدی بر نسخه فارسی مقیاس پیوند والدینی پارکر. روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی، ۲(۶)، ۸۱ - ۹۸.

غباری بناب، باقر؛ نصرتی، فاطمه؛ باتوانی، علیرضا و مسجدسرایي، محمدرضا (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین دلبستگی به خدا، دلبستگی به بزرگسالان و تاب‌آوری با خودشفقت‌ورزی و ذهن آگاهی در دانشجویان دانشگاه تهران در سال ۱۳۹۵. پژوهش در دین و سلامت، ۶(۱)، ۵ - ۱۸.

مظاهری، محمدعلی؛ پسندیده، عباس و صادقی، منصوره‌سادات (۱۳۸۹). مثلث ایمان: الگوی ابعدی رابطه انسان با خدا. قم: دار الحدیث.

موتابی، فرشته؛ مؤمنی، فرشته؛ شهیدی، شهریار و حیدری، محمود (۱۳۹۲). ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه فارسی مقیاس خودشفقت‌ورزی. روان‌شناسی معاصر، ۸(۲)، ۲۷ - ۴۰.

Abu-Raiya, H., Pargament, K. I., Krause, N. & Ironson, G. (2015). Robust links between religious/spiritual struggles, psychological distress, and well-being in a national sample of American adults. *American Journal of Orthopsychiatry*, 85(6), 565-75.

Ano, G. G. & Pargament, K. I. (2013). Predictors of spiritual struggles: An exploratory study. *Mental Health, Religion & Culture*, 16(4), 419-434.

Beck, R. & McDonald, A. (2004). Attachment to God: The Attachment to God Inventory,

tests of working model correspondence, and an exploration of faith group differences. *Journal of Psychology and Theology*, 32(2), 92-103 .

Bowlby, J. (1980). *Attachment and loss: Vol. 3. Loss*. New York: Basic Books.

Cassidy, J. & Shaver, P. R. (1999). *Handbook of attachment: Theory, research and clinical application*. New York: Guilford press.

Grubbs, J. B., Exline, J. J., Campbell, W. K., Twenge, J. M., & Pargament, K. I. (2018). God owes me: The role of divine entitlement in predicting struggles with a deity. *Psychology of Religion and Spirituality*, 10(4), 356–367.

Pargament, K. I. & Hall, T. W. (2014, April). Everyone owes me, including God! An examination of spiritual entitlement. Presentation at the 12th annual Midyear Conference for the Psychology of Religion and Spirituality, La Mirada, CA.

Exline, Ph. D. Joshua B Grubbs, M. A. Julie J. Kenneth I Pargament, Ph.D .(REL-2014).

Bowling Psychology of Religion and Spirituality Personality, Religious and Spiritual Struggles, and Well-Being. Case Western Reserve University Green State University.

Exline, J. J. (2017). Turning toward the light: Could positive supernatural attributions provide a ray of hope in dark seasons of spiritual life? In N. Stauner (Chair), Acts of God in the mind, body, and soul. Symposium at the biannual meeting of the International Association for the Psychology of Religion, Hamar, Norway.

Exline, J. J. & Grubbs, J. B. (2011). If I tell others about my anger toward God, how will they respond? Predictors, associated behaviors, and outcomes in an adult sample. *Journal of Psychology and Theology*, 39(4), 304-315.

Exline, J. J. (2013). Religious and spiritual struggles. In K. I. Pargament, J. J. Exline & J. Jones (Eds.), *APA handbook of psychology, Religion and spirituality: Vol. 1. Context, theory, and research* (p. 459–476). Washington, DC: American Psychological Association.

Exline, J. J., Yali, A. M. & Sanderson, W. C. (2000). Guilt, discord, and alienation: The role of religious strain in depression and suicidality. *Journal of Clinical Psychology*, 56(12), 1481-96.

Exline, Julie J. a., Joshua, B. Grubbs, a. b., Joshua Wilt, a., Nicholas Stauner, a., Kenneth, I.



- Pargament (2016). Self, struggle, and soul: Linking personality, self-concept, and religious/spiritual struggle b a Case Western Reserve University, United States b Bowling Green State University, United State/ Personality and Individual Differences, Pages 144-152/ .
- Grubbs, J. B. & Exline, J. J. (2016). Trait entitlement: A cognitive personality source of vulnerability to psychological distress. *Psychological Bulletin*, 142(11), 1204-1226.
- Grubbs, J. B., Exline, J. J. & Campbell, W. K. (2013). I deserve better and god knows it! Psychological entitlement as a robust predictor of anger at God. *Psychology of Religion and Spirituality*, 5(3), 192–200.
- Granqvist, P., Mikulincer, M. & Shaver, P. R. (2010). Religion as attachment: Normative processes and individual differences. *Personality and Social Psychology Review*, 14(1), 49-59.
- Hall, T. W. & Edwards, K. J. (2002). The Spiritual Assessment Inventory: A theistic model and measure for assessing spiritual development. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 41(2), 341–357.
- Homolka, M. A. Exline, Julie J. A. (2014). divine struggles: parents' contributions and attachment to God as a mediator. Department of Psychological Sciences, Psychology Program case western reserve university (january, 2014)
- McConnell, K. M., Pargament, K. I., Ellison, C. G. & Flannelly, K. J. (2006). Examining the links between spiritual struggles and symptoms of psychopathology in a national sample. *Journal of Clinical Psychology*, 62(12), 1469–1484
- Mohammad-Taghi Tabik, Ali Fathi-Ashtiani, Masoud Janbozorgi, Seyed-Kazem Rasoolzade Tabatabaei (2020). Conceptual Model of Religious and Spiritual Struggles in Iran: A Qualitative Study/ *International Journal of Behavioral Sciences// Int J Behav Sci*; 14(2), 85-90.
- Neff, K. D., Kirkpatrick, K. L. & Rude, S. S. (2007). Self-compassion and adaptive psychological functioning. *Journal of Research in Personality*, 41(1), 139–154.
- Pargament, K. I., Wong, S. & Exline, J. J. (2016). Wholeness and holiness: The spiritual dimension of eudaimonics. In V. Joar (Ed.), *Handbook of eudaimonic well-being* (p. 379–394). New York.

- Park, C. L. (2019). Advancing the psychology of religiousness and spirituality: How can a meaning perspective contribute? In Presented at the 17th annual meeting of the Society for the Psychology of Religion and Spirituality APA Division 36, Bowling Green, OH.
- Richard Beck, Steve Allison, Larry Norsworthy (2005). Attachment to God and Parent. *McDonald Palm Beach Atlantic University Abilene Christian Universitjournal of Psychology and Christianity*, 24(1), 21-28.
- Rowatt, W. C. & Kirkpatrick, L. A. (2002). Two dimensions of attachment to God and their relation to affect, religiosity, and personality constructs. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 41(4), 637-651. doi: 10.1111/1468-5906.00143.
- Steger, M. F. & Frazier, P. (2005). Meaning in life: One link in the chain from religiousness to well-being. *Journal of Counseling Psychology*, 52(4), 574-582.

